

فهرست

۲	رضایت خداوند از دیدگاه قرآن و روایات
۲	مقدمه:
۳	معنای لغت رضا
۳	تعریف اصطلاحی لغت رضا
۳	تفسیر کلمه رضا
۴	بیان جایگاه و مقام رضا
۴	بیان مراتب رضا
۵	چگونگی رسیدن به رضای خداوند
۵	رضایت در زندگی از بیان امام صادق علیه السلام
۶	بیان دو پرسش عام در مورد رضا و دعا کردن
۷	ثمره و نتیجه ی رضایتمندی
۸	بیان بعضی روایات در باب رضایت

رضایت خداوند از دیدگاه قرآن و روایات

مقدمه:

دین اسلام با تمام عظمت و بزرگی اش و با تمام احکام و قواعدش برخی از چیزها را در اختیار خود انسان واگذار کرده که اگر انسان به خواست خود آنها را انجام موجبات رضایت خداوند را فراهم میکند مانند نماز شب که یک امر مستحبی است که انسان بخواهد آن را انجام میدهد و اگر هم نخواهد انجام نمیدهد.

اما اگر انسان هدفش را فقط برای این بگذارد که رضایت و خشنودی خدایش را جلب کند این قابل تقدیر است که خود خداوند پاداشش را خواهد داد. همانطور که در قرآن فرمود:

((هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ))

خدای متعال میفرماید: روزی که راستی راستگويان به آنها سود می بخشد برای آنها باغ هایی از بهشت است که نهرها از زیر درختان آن میگذرد تا ابد در آن جاودانه می مانند هم خدا از آنان خشنود است و هم آنان از خدا خشنودند این رستگاری بزرگ است^۱

غرض از آوردن این آیه شریفه ذکر یک نوع رضایت از طرف خداوند از بندگان و بالعکس (رضایت بندگان از خداوند) است که نشانه آن را راستی ذکر کرده اند. و صادقین در دنیا و آخرت از رضایت حضرت باری تعالی برخوردارند.

هدف ما در این مقاله بیان نوعی رضایت از سمت و سوی خداوند است، که چه کارهایی سبب جلب رضایت میشود تا نظر حضرت حق را نسبت به عملی که انجام میدهیم به سوی خود بکشانیم. که ان شاءالله بتوانیم با استفاده از دستورات خدای متعال و روایات معصومین علیهم السلام موجبات رضایت خداوند متعال را فراهم کنیم.

ابتدا در این مقاله به بیان معنای این لغت می پردازیم و گفته خواهد شد که با استفاده از چه راههایی به این مقام از جانب ذات اقدس اله نائل خواهیم شدیم و چه بهره ها و ثمره هایی از آن را در وجود خود حس خواهیم کرد.

لازم به ذکر است که به بخشی از یک سؤال عام نیز در این مقاله پاسخ داده شده که مطالعه آن ان شاءالله مفید فایده خواهد بود.

^۱ (مائده آیه ۱۱۹)

بیشتر در این مقاله سعی شده که از سخنان معصومین و بزرگان استاده شود که به کلام حق نزدیک باشد و قابل استفاده برای همه قرار گیرد.

در پایان نیز از امام زمان خواستارم که حقیر سراپا تقصیر را در بیان معارف اهل بیت مساعدت بفرمایند و ان شاءالله این اندک مقاله در راستای رضای حضرتش باشد.

معنای لغت رضا

رضا در لغت به معنای خشنودی^۱ و ضد سخط است^۲ و به معنای اختیار کردن نیز آمده و اصل این ماده به موافقت میل آدمی به آنچه با آن مواجه است دلالت دارد.^۳

در اینجا لازم میدانم اشاره ای به معنای سخط داشته باشم که تضاد این دو لغت معلوم شود.

سخط عبارت است از اینکه انسان غیر از آنچه که خداوند برایش قرار داده نخواهد و آن خواسته خود را از خداوند بهتر نداند که معمولاً علماء بر این باورند که در کار خداوند دخالت جای ندارد^۴

تعریف اصطلاحی لغت رضا

عبارت است از ترک هر گونه اعتراض بر مقدرات خداوند در ظاهر و باطن چه از نظر گفتار و چه از نظر رفتار^۵، به گونه ای که بنده مقامی بیشتر از آنچه که خداوند برایش قرار داده است نخواهد. که این خود بالاترین درجه کمال است.

تفسیر کلمه رضا

روزی جبرئیل نزد پیامبر آمد و فرمود من از جانب پروردگار هدیه ای آورده ام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند آن هدیه چیست جبرئیل یکی از آن هدیه ها را رضایت معرفی کرد که رسول خدا تفسیر این کلمه را از جبرئیل پرسیدند:

«قلت فما تفسیر الرّضا؟ قال: الرّاضی الذی لا یسخط علی سیّده اصاب من الدّنیا ام لم یصب، و لم یرض من

نفسه بالیسیر من العمل»^۶

^۱ (مفردات راغب ج ۲ ص ۸۰)

^۲ (قاموس قرآن ج ۳ ص ۱۰۴)

^۳ (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج ۴ ص ۱۵۲)

^۴ (راه نجات ملا محسن فیض کاشانی ص ۱۷۶-۱۷۹)

^۵ (معراج السعاده ص ۶۱۲)

^۶ (آیین نیایش و بندگی ص ۱۵۹)

کسی که هیچگاه از خدایش ناراحت نمی شود چه این آدم به لذت های دنیا و هر آنچه که متعلق به دنیا است برسد چه نرسد، و همیشه نیز از کارهای اندکی که انجام می دهد در راه رضای خداوند خودش از عملکردش خشنود و راضی نیست^۱

بیان جایگاه و مقام رضا

مقام رضا آنقدر بلند مرتبه یا رفیع است که آن را یکی از صفت های (صدقین) یعنی همان راستگویان معرفی کرده اند. به گونه ای که خداوند متعال نیز در آیه شریفه به آن اشاره دارد که فرمود: (رضی الله عنهم). مرحوم علامه طباطبائی رضوان الله علیه در ذیل این آیه شریفه این تفسیر را بیان فرموده اند: که خداوند نه تنها از صداقت صادقین (راستی سخن صادقین) راضی است بلکه از خود آنان نیز راضی است.

و رضایت پروردگار برمیگردد به هدف خلقت آنان که هدف خلقت را عبودیت معرفی کرده است که فرمود (ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) یعنی اینان از طریق سالیان طولانی عبادت و بندگی کردن به درگاه خدا توانستند خود را اصلاح کنند و خود را از راستگویان قرار دهند تا به این مقامی که در آیه شریفه ذکر شد دست پیدا کنند.

آنان کسانی هستند که غم و اندوه هایشان برطرف شده و امنیت و آرامش بر دلشان حاکم شده به گونه ای که خداوند متعال فرمود: برتر از صدیقین نیز هستند که به آنان مقام بالاتری دادم و آن را رضا نامیدم.^۲

بیان مراتب رضا

همانطور که می دانید هر چیزی برای خود درجاتی دارد مثلاً روزه، در بحث فقه سه نوع روزه داریم که:

۱) روزه عام العام ۲) روزه عام الخاص ۳) روزه خاص الخاص

در باب رضا نیز مشابه این موارد در روایات مطرح گردیده و یا مردم از زمان های قدیم به آن معتقد بودند میتوان اینگونه تقسیم بندی کرد:

که کمترین آن ها رضای عام یا عامه است. این چنین که مردم خودشان را زیر دست خداوند می دانند و خود را بنده و حضرت حق را مولا و سرپرستان می دانند و به آن راضی و خشنود هستند.

۱) (آیین نیایش و بندگی ص ۱۵۹)

۲) (الذاریات ۵۶)

۳) (آیین نیایش و بندگی ص ۱۵۹-۱۵۸-۱۵۵)

مورد بعدی آن که در سر زبان بیشتر مردم است که می گویند راضی به قضای الهی باشید که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تعالی فرمود: بنده ی مومنم را به کاری نمیگیرم، مگر آنکه آن را برای او خیر قرار می دهم، پس او باید به قضای من راضی باشد، و برای بلای من صبر کند، و نعمتهای مرا شکر گوید. ای محمد، او را نزد خود از صدیقین خواهم نوشت
(اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹، باب الرضا بالقضاء)

حضرت صادق علیه السلام در بیان دیگری فرمودند: ((ان اعلم الناس بالله ارضاهم بقضاه الله عزوجل)) ((آگاه ترین مردم به خدا راضی ترین آنهاست به قضا و قدر خدای عزوجل))^۱

و آخرین موردی که میتوان اشاره کرد راضی به رضای خداوند بودن که همانند مورد آخر روزه که مثال زدیم سخت است و کمتر کسی می تواند به آن برسد نمونه ای که میتوان مثال زد حضرت حسین ابن علی علیهما السلام است که در گودی قتلگاه فرمود ((الهی رضا برضاک صبرا علی قضائک یا رب لا اله سواک))^۲

چگونگی رسیدن به رضای خداوند

این سؤال بارها مطرح شده که چگونه به این رضایت برسیم، جواب این سؤال را امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان فرموده اند ((عن ابی عبد الله علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صلاتکم علی اجابة لدعائکم و زکاة لاعمالکم)) ((صلوات فرستادن شما بر من باعث روا شدن حاجت های شما و اعمال شما را پاکیزه می گرداند))^۳
چه خوب است که انسان با یک چنین عملی که زیاد انرژی هم از انسان نمی گیرد اما می تواند رضایت خداوند را جلب کند و اعمالش را پاک سازد بهره مند شود.

رضایت در زندگی از بیان امام صادق علیه السلام

خوب است در این باره و از این حدیث استفاده کنیم و در زندگی به آن عمل کنیم. حضرت فرمودند: ((لو ان الناس ادوا حقوقهم لکانوا عایشین بخیر)) ((اگر مردم حقوق یکدیگر را بپردازند و درد نیازمندان را برطرف سازند زندگی خوب و رضایت بخشی را خواهند داشت))^۴
اما لازم میدانم کمی کلام حضرت را باز کنم و بگوییم منظور حضرت از این کلام چه بوده است.
حضرت صادق علیه السلام در این بیان اشاره به پرداخت زکات دارند که حقوق نیازمندان در آن خوابیده است. همانگونه که خداوند متعال در قرآن کریم فرمود: ((و فی اموالهم حق لائل و المحروم))^۱

^۱ (اصول کافی ج ۳ ص ۹۱)

^۲ (تهوف سید بن طاووس ص ۲۵)

^۳ (بحار الانوار ج ۹۱ ص ۵۴ ح ۲۲)

^۴ (وسائل الشیعه ج ۶ ص ۲)

همانطور که بیان شد زکات یکی از دستورات خداوند است که اگر رعایت شد موجبات خشنودی و رضایت پروردگار را به دنبال خواهد داشت. و الا اگر قرار بشود که حضرت خالق تکلیفی را امر کند و مخلوق از آن سرپیچی کند دیگر جای رضایتی باقی نمیماند که مولا نسبت به بنده اش داشته باشد^۲

بیان دو پرسش عام در مورد رضا و دعا کردن

بعضی ها بر این باور اند که شما میگویید انسان که به مقام رضا برسد همانطوری که حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در کتاب شریف شرح حدیث جنود عقل و جهل می فرماید که از بعضی اهل سلوک می پرسند شما چه چیزی میخواهید؟ آنان در پاسخ میگویند: (میخواهیم که نخواهیم)^۳ یعنی هر چیزی که داریم همان بس است یعنی همان مقام رضا سپس خدای متعال دعا را برای چه قرار داده است که از او بخواهیم همانطوری که فرمود ((ادعونی استجب لکم))^۴ بخوانید تا اجابت کنم شما را چه جایی دارد؟

در پاسخ باید بگوییم که اصلا دعا کردن با رضا در تضاد نیست^۵ بلکه در مواردی با یکدیگر رابطه نیز دارند. همانطور که در فرض سؤال ذکر شده خدای متعال فرمود که دعا کنید پس این خود حکمی از سمت و طرف خداوند است چراکه میدانیم (ادعوا) فعل امر است البته در بلاغت مطرح میشود که دلالت بر وجوب نمیکند اما همین که خداوند میفرماید بخوانید مرا خود دلیل محکمی است.

منظورش این است که آی انسان ها شما مامور به دعا کردن هستید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دعا کردن برای هر انسانی در این عالم تخصیص زده است که حضرت میفرماید: ((الدعاء سلاح المومن و عماد الدین و نور السموات و الارض))^۶ با توجه به این کلام میفهمیم که هر انسانی نه، بلکه مومن باشد یعنی اعتقاد به چیزی داشته باشد که بتوان آن شخص را فردی دین دار دانست و این دعا کردن طبق فرموده حضرت رسول به منزله ستون و نگهدارنده این دین باشد.

در قسمت سوم همین روایت که بحث نور را مطرح میکند میتوان از آن این برداشت را کرد انسانی که هم مومن است و هم دیندار راه سعادت یا عاقبت او با همین دعا ها رقم خواهد خورد و یک نوری است که انسان را از این دنیای ظلمانی بیرون

میکشاند که فرمود ((یخرجونهم من الظلمات الی النور))^۷ و به سوری نور و روشنایی محض که همان راه مستقیم است که فرمود ((ان هذا صراطی مستقیما))^۸ سوق میدهد.

^۱ (معارج آیات ۲۴-۲۵)

^۲ (یکصد و پنجاه درس زندگی ص ۳۶)

^۳ (شرح چهل حدیث امام خمینی ص ۲۱۷)

^۴ (غافر آیه ۶۰)

^۵ (المحجۃ البیضاء ج ۸ ص ۹۴)

^۶ (مستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۱۶۲ ح ۱۸۵۵)

^۷ (بقره آیه ۲۵۴)

^۸ (انعام آیه ۱۵۳)

جواب دیگری که میتوانیم به این سؤال بدهیم این است که اگر کسی گذر یا نظری بیندازد به کتاب مفاتیح الجنان یا تاریخ انبیاء یا اوصیاء یا اولیاء الهی می بیند که آنان با اینکه در مقام بالائی از مقام بندگی و رضا بودند اما هرگز دعا کردن را بنابر فرموده پیامبر صلوات الله علیه و علی اهل بینه که سلاح مومن است ترک نکرده اند. واصلًا به گونه دیگری بگوئیم و آن را نیز از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استفاده می کنیم که فرمودند: ((الدعاء يدفع البلاء النازل و ما لم ينزل))^۱ که دعا بلای فرود آمده یا نیامده را دفع میکند.

یاغیر این روایت در باب صلاه (نماز) روایتی از معصومین از جانب خدای متعال بیان میکنند که اگر بنده ای نماز خواند و بعد از نمازش دست به دعا نشد آن نمازش را به سرش میزنم پس یعنی آنقدر جایگاه دعا رفیع و بلند مرتبه است نماز بدون دعا نیز فایده ای ندارد چون بنده یک تکلیف خدا که نماز است را انجام میدهد اما دعا را که آن نیز تکلیف خدا است را نیز فراموش میکند.

شاید برخی بگویند هرچه دعا میکنیم به جایی نمی رسد جواب آنان را نیز با یک روایت بیان میکنم که فرمودند بدانید که اگر در دنیا دعائتان مستجاب نشد خدای متعال آن را برای آخرت ذخیره میکند و بد به حال کسی که در دنیا کم دعا کرده باشد وقتی که در آخرت وارد میشود حسرت این روزها را خواهد خورد.

بنابراین دعا جلب رضایت و خشنودی شخصی است که از او چیزی را میخواهیم هر چه آن خواسته ما تاثیر آن چنانی نداشته باشد ولی همانگونه که دستور خدا و پیامبرش را عمل می کنیم موجب رضایت حضرت حق می شود.

ثمره و نتیجه ی رضایتمندی

این رضائی که تا الآن در مورد آن بحث کردیم باید نتیجه ای برای انسان داشته باشد یعنی کسی که رضایش به رضای خدا بستگی دارد در دل خود یک آرامشی را احساس میکند که حضرت ایر علیه السلام فرمودند: ((من رضی الله عزوجل بما قسم به استراح بدنه خسر من ذهب حیاته)) (هر آنکه به آنچه قسمت اوست راضی باشد تن او در آسایش است)^۲

وقتی که به این آرامش رسید دیگر از غم و اندوه های دنیا و هر آنچه که به آن مربوط می شود رهائی می یابد همانطور که حضرت علی علیه السلام فرمودند: ((الرضا ینفی الحزن)) (رضا اندوه را از بین می برد)^۳ وقتی یک انسانی به این درجه برسد که دغدغه ای برای دنیا نداشته باشد و از غم و اندوه ها رها باشد احساس بی نیازی به هر چیزی می کند و کسی که به این سختی ها صبر می کند به خداوند نزدیک تر است

۱ (اصول کافی ج ۴ ص ۲۱۶)

۲ (بحار الانوار ج ۱۰ ص ۱۱۰)

۳ (غرر الحکم ص ۱۰۳ ح ۱۸۲۲)

به گونه ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ((اذا احب الله عبدا ابتلاه فان صبر اجتبه و ان رضى اصطفاه))^۱ ((اگر خداوند بنده ای را دوست بدارد او را گرفتار می کند و اگر صبر کرد او را انتخاب و چنانچه راضی باشد او را برمیگزیند.))

حال که در مورد ثمره و نتیجه ضا مطالبی مطرح شد جا دارد یک اشاره کوچکی به نشانه رضایت خداوند هم بنمایم چون هر چیزی برای خود نشانه ای دارد و این را نیز شایسته است از روایتی بیان کنم.

روزی حضرت موسی علیه السلام رو به خداوند کرد و فرمود: پروردگارا مرا از نشانه ی خشنودی خودت از بنده ات آگاه کن. خدای متعال فرمود: هرگاه دیدی من بنده ام را برای اطاعت خود آماده و او از معصیت روی گردان می شود این نشانه خشنودی من است.

یعنی بنده ای که برای رضای خدای خود عوض اینکه برود گناه کند می رود و برای رضایت خدا خودش را از معصیت و گناه دور می کند که خداوند به این بنده نظر دارد و از او راضی و خشنود است.

بیان بعضی روایات در باب رضایت

قال امیر المومنین علی علیه السلام: ((اغض علی القذی و الاکم ترض ابدا))

حضرت فرمودند: چشم از سختی خوار و خاشاک در رنج ها فرو بند تا همواره خشنود و راضی باشی.^۲

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ((علامة رضا الله فی خلقه عدل سلطانهم و رخص اسعارهم)).^۳

حضرت فرمودند: علامت رضایت خداوند از بندگانش عدالت فرمانروایان و ارزانی قیمت هاست

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ((ثلاثة يحبها الله: قلة الكلام و قلة المنام و قلة الطعام))

حضرت فرمودند: خداوند سه چیز را دوست دارد که موجب رضایت او میشود:

(۱) کم حرفی (۲) کم خوابی (۳) کم خوری^۴

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ((ثلاثة يضحك الله يوم القيامة اليهم، الرجل اذا قام من الليل يصلي و القوم اذا صفوا للصلاة و القوم اذا صفوا القتال العدو))

حضرت فرمودند: در روز قیامت خداوند از عمل سه گروه خوشش می آید و موجب رضایت میشود و لبخند می زند:

^۱ (مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۲۷ ح ۲۳۶۸)

^۲ (نهج البلاغه حکمت ۲۴۱)

^۳ (آداب الطلاب ج ۳ ص ۶۴)

^۴ (مدینه البلاغه ج ۲ ص ۴۸۳)

۱) کسی که شبانه بر می خیزد و نماز می خواند.

۲) و مردمی که برای نماز صف می بندند.

۳) و مردمی که برای جنگ با دشمن صف می بندند.

منابع:

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. موسوی خمینی. روح الله. شرح حدیث جنود عقل و جهل